

ضرورت تعیین « حریم پویا » به جای « حریم ثابت » در ساحل دریای خزر

(قانون اراضی مستحدث و ساحلی را اجرا کنید!)

ناصر عظیمی - مریم مسکینی

چکیده

دریای خزر طی چند هزار سال اخیر با وجود پیشروی و عقب‌نشینی‌های موضعی ولی مستمر، در مجموع از پای کوه‌های شمالی البرز تا ساحل امروزی عقب‌نشسته است. همین قاعده‌ی عمومی موجب بیرون آمدن مداوم خشکی از آب این دریا شده و به احتمال زیاد در آینده نیز چنین روندی ادامه خواهد داشت. بیرون آمدن خشکی از آب در اثر عقب‌نشینی دریای خزر که از دهه‌ی ۱۳۴۰ طی تصویب قانونی به آن « اراضی مستحدث » نام نهادند و برای آن قوانین وضع کردند، در گذشته و پیش از تصویب این قانون، حساسیت چندان مهمی را بر نمی‌انگیخت و گویا مشکل چندان پدید نمی‌آورد. اما از دهه‌ی ۱۳۴۰ به تدریج با اهمیت یافتن وجه « کالایی زمین و نقش مبادله‌ای این کالا، تصاحب و تصرف زمین در اراضی مستحدث نیز رونق گرفت. به طوری که قانونگذار از میانه‌ی دهه‌ی ۱۳۴۰ برای زمین‌های تازه بیرون آمده از عقب‌نشینی آب دریای خزر و نحوه‌ی تصرف و حریم دریا شروع به وضع قانون کرد. وضع این قوانین هر هدفی را که مد نظر داشت در مجموع حق استفاده‌ی عموم از ساحل یعنی « **حق بر ساحل دریا** »^۱ را تا حدود زیادی محفوظ می‌داشت که در دهه‌ی ۱۳۵۰ نیز با تکمیل این قانون ادامه یافت. اما در مقابل، اراده‌ای برای اجرای دقیق قوانین فوق دیده نشد و تصرف اراضی مستحدث و حریم دریای خزر که وجه کالایی آن در دو دهه‌ی اخیر به دلیل تعمیق روابط سرمایه‌داری و کالایی شدن همه چیز به طرز شگفت‌انگیزی افزایش یافت، سبب شد تا به دلیل تفسیر نادرست از قانون، این عرصه‌های عمومی، هم توسط افراد حقیقی و هم به ویژه حقوقی تصرف شده و ساخت و سازهای غیرقانونی در آن انجام شود. این مقاله کوشیده است بر اساس ایده‌ی جایگزین کردن « **حریم پویا** » به جای « **حریم ثابت** » که اتفاقاً با درک روح قوانین موجود نیز منطبق است، راهی برای حفظ اراضی مستحدث برای استفاده‌های عمومی و تحقق « **حق بر ساحل** »^۲ بیابد.

۱. نویسندگان با الهام از اصطلاح « حق بر شهر » (The Right to the city) هانری لوفور، این اصطلاح را ساخته‌اند.

واژه‌های کلیدی: حریم ثابت، حریم پویا، اراضی مستحدث، حق بر ساحل، دریای خزر

مقدمه

حریم دریاها در همه جای جهان از طرف دولت‌ها تعیین و حفاظت می‌شود. چرا که این حریم به مثابه‌ی یک عرصه‌ی عمومی نه فقط برای شهروندان یک کشور، «حق بر ساحل دریا» ایجاد می‌کند بلکه به عنوان میراث اکولوژیکی، می‌تواند عرصه‌ی حریمی مطمئن برای حیات تجدید پذیر آبریزان دریا نیز به حساب آید. به علاوه سواحل دریاها یعنی محل تلاقی آب‌ها و خشکی‌ها به لحاظ جغرافیایی روی کره‌ی خاکی ما بی‌بدیل‌اند و تنها نقطه‌ای از جهان ماست که در آن آب کره (Hydrospher)، هواکره (Atmosphere) و سنگ کره (lithosphere) در یک نقطه‌ی مشترک به هم می‌رسند. از این رو در دنیای جدید هم برای گردشگری عمومی، هم برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری و هم به ویژه در شمال ایران برای خانه‌ی دوم و استفاده‌ی «گردشگر-مالکان» نیز بالاترین تقاضا برای تصاحب زمین‌های این پهنه به وجود آمده است. مورد اخیر به ویژه در دو دهه‌ی گذشته در سواحل دریای خزر به دلایل گوناگون و از جمله به دلیل جذاب نبودن اقامت‌گاه‌های عمومی در پرتو اعمال ضوابط سخت‌گیرانه و نظارت‌های غیر لازم، رواج روزافزونی یافته و ضمن ایجاد بحران زیست محیطی و نادیده گرفتن قوانین ساخت و ساز و تغییر کاربری در اراضی نزدیک به ساحل، حریم دریا و اراضی مستحدثی که در سال‌های اخیر در پرتو عقب‌نشینی دریای خزر از آب بیرون آمده را نیز مورد تعرض قرار داده، به طوری که اکنون واژه‌ی «دریاخواری» نیز بیشتر در اثر تعرض به «حریم» این دریا در ادبیات فضای حقیقی و مجازی ایران پیدا شده است. به این ترتیب سامان‌دهی به این اراضی کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

پرسش‌های اساسی

اگر ضرورت تعیین «حریم» برای دریای خزر، نقطه‌ی عزیمت برای حفاظت از عرصه‌ی عمومی، میراث اکولوژیکی و حیات تجدیدپذیر آن باشد، پرسش این است که حریم دریای خزر (که در اینجا موضوع مورد بحث ماست) چه پهنه‌ای را باید در بر بگیرد؟ این پرسش به ویژه امروز از اهمیت مهم‌تری برخوردار است. زیرا پرسش مهم‌تری نیز پیش روی ما می‌گذارد و آن این است که آیا با توجه به وضعیت حرکت آب این دریا که در مجموع پسرwane است، حریم این دریا را همان‌گونه که تقریباً تمام مجریان تصور می‌کنند باید به صورت یک عرض حریم ثابت و غیرقابل تغییر در نظر گرفت و یک بار برای همیشه تعیین کرد؟ یا این که متناسب با پسرwane این دریا، عرض حریم

دریای خزر باید متغیر و پویا و متناسب با بیرون آمدن خشکی از آب به آن افزوده شود؟ و در نهایت این پرسش که قوانین موجود در این زمینه چه می گوید؟

قوانین موجود برای حریم دریای خزر

در پیش از انقلاب دو قانون برای حفاظت از ساحل و حریم دریای خزر به تصویب رسیده است. اولین قانون که بخش مهم آن نیز مربوط به دریای خزر بوده با عنوان «قانون مربوط به اراضی ساحلی» در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۴۶ به تصویب رسید. در این قانون بود که برای نخستین بار در قوانین کشور، موضوع «اراضی مستحدثه ساحلی و حریم دریا» به میان آمد. در «ماده‌ی - ۱» این قانون آمده بود: «اراضی حاصل از پایین رفتن سطح آب دریای خزر و دریاچه‌ها و یا خشک شدن مرداب‌ها و باتلاق‌های ساحلی، اراضی مستحدثه محسوب [می شود] و متعلق به دولت است و اشخاص، حق تقاضای ثبت آنها را ندارند. در صورتی که نسبت به اراضی مزبور تقاضایی ثبت شده [باشد ولی هنوز] منجر به ثبت در دفتر [ثبت] املاک نشده باشد، درخواست ثبت آنها باطل است و اداره ثبت محل موظف است از وزارت کشاورزی به نمایندگی از دولت تقاضای ثبت اراضی مزبور را [به نام دولت] بپذیرد. ولی اراضی مستحدثه مذکور در فوق که از طرف اشخاص، تقاضای ثبت شده و تا تاریخ ۱۳ / ۷ / ۴۲ موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۱۷۲۰-۴۲/۷/۲۳ ملک به نام آنها در دفتر [ثبت] املاک به ثبت رسیده و یا حکم قطعی مالکیت به نفع اشخاص صادر شده باشد، از مقررات این ماده مستثنی است.^۳

تبصره ۱ - حدود اراضی مستحدثه در مورد سواحل دریای خزر تا یکصد و پنجاه سانتیمتر ارتفاع از سطح آب دریا در آخرین نقطه مد خواهد بود.

تبصره ۲ - وزارت کشاورزی مکلف است در مورد اراضی مستحدثه ساحلی دریای خزر، حداکثر ظرف شش ماه و در مورد سایر منابع مذکور در ماده یک، ظرف یک سال از تاریخ تصویب این قانون حدود اراضی مستحدثه را با نصب علائم مشخص نماید.

تبصره ۳ - جنگل‌ها و مراتع و اراضی جنگلی و بیشه‌های طبیعی واقع در محدوده اراضی مستحدثه ساحلی، مشمول مقررات این قانون نبوده و درمورد آنها طبق قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع و

^۳ . از نکات گفتنی این که قانونگذار تنها پذیرش ثبت ملک در اراضی مستحدثه را نه هم زمان با تدوین و تصویب قانون (مرداد ۱۳۴۶) بلکه به حدود چهار سال پیش یعنی تا تاریخ ۱۳/۷/۱۳۴۲ به عقب برده است تا تقابل به میزان زیادی منتفی شود.

آیین‌نامه مربوط عمل خواهد شد» (قانون مربوط به اراضی ساحلی؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تاکید از ماست).

در ماده‌ی ۳- این قانون، برای نخستین بار حریم دریای خزر نیز به این صورت تعریف شد: «حریم دریای خزر ۶۰ متر از آخرین نقطه مد خواهد بود. این حریم قابل تملک خصوصی نیست و مشمول ماده ۲۴ قانون مدنی است ولو آنکه متصرفین این قبیل اراضی اسناد مالکیت در دست داشته باشند. [با این حال] ولی استفاده از حریم مزبور برای ایجاد تأسیسات بندری و گمرکی و نظامی و تأسیسات شرکت سهامی شیلات و سایر تأسیسات ضروری دولتی که جنبه اختصاصی نداشته و مورد استفاده عموم قرار بگیرد، طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون مجاز می‌باشد» (تاکید از ماست).

چنان که پیداست اهمیت اراضی حریم دریای خزر چنان بود که قانون‌گذار آن را مشمول قانون ۲۴ قانون مدنی ایران کرده و تاکید دارد که چون «مورد استفاده‌ی عموم است»، باید در مالکیت و تصرف دولت باشد.^۴ و برای استفاده‌ی عمومی از این سواحل در ماده‌ی ۵- قانون آورده است که: «دولت مکلف است از نزدیک‌ترین جاده اصلی به دریا راه‌های فرعی عبور و مرور تا حریم دریای خزر در محل‌های مناسب ایجاد نماید. فاصله‌ی این راه‌های فرعی از یکدیگر نباید از شش کیلومتر بیشتر و عرض آنها از نه متر کمتر باشد. در صورتی که برای احداث راه‌های مزبور استفاده از اراضی ملکی اشخاص ضرورت داشته باشد و یا احتیاج به تخریب ساختمان یا تصرف قسمتی از باغات یا اراضی مزروعی پیدا شود، دولت می‌تواند طبق مقررات مربوط به ایجاد راه‌ها اقدام نماید». چنان که پیداست همه جا روح قانون بر استفاده‌ی عمومی از ساحل و حق عموم بر ساحل آشکار است.

هشت سال پس از تصویب قانون اراضی ساحلی در سال ۱۳۴۶، قانونگذار در میانه‌ی دهه‌ی ۱۳۵۰ به احتمال زیاد به خاطر سرعت گرفتن پیروی دریای خزر و تلاش افراد حقیقی برای تصاحب آن، قانون جدیدی با عنوان «قانون اراضی مستحدث و ساحلی» در تاریخ ۱۳۵۴/۴/۲۹ و در تکمیل قانون سال ۱۳۴۶ با تغییراتی به تصویب رساند و با تصویب قانون جدید، قانون سال ۱۳۴۶ را لغو کرد.

^۴ . یادآوری کنیم که در ماده‌ی ۲۴- قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۲۳ آمده است: «هیچکس نمی‌تواند اموالی را که مورد استفاده‌ی عموم است و مالک خاص ندارد از قبیل پل‌ها و کاروانسراها و آب انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان‌گاه‌های عمومی تملک کند. و همچنین است قنوات و چاه‌هایی که مورد استفاده‌ی عموم است».

در بند «د» ماده ی - ۱ قانون جدید، حریم دریاها و دریاچه‌ها و از جمله حریم دریای خزر تعیین شد: «عرض حریم دریای خزر ۶۰ متر از آخرین نقطه پیشرفتگی آب در سال ۱۳۴۲». اما قانونگذار در تبصره ی - ۱ این قانون نکته ی مهمی را به تاکید آورد که مجریان به عمد یا به سهو از اجرای آن تا امروز طفره رفته اند: «اراضی مستحدثی که بعد از تصویب این قانون ایجاد می‌شود به عرض حریم مذکور اضافه خواهد شد» (قانون اراضی مستحدث و ساحلی، مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ - سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

بنابراین قانون اراضی مستحدث و ساحلی که در سال ۱۳۵۴ به تصویب رسیده و هنوز وجه قانونی آن برجاست به تاکید می‌گوید که چنان چه دریای خزر عقب‌نشینی کند و اراضی مستحدث جدیدی پس از این قانون در ساحل ایجاد شود، آن اراضی باید به عرض حریم ۶۰ متر موجود اضافه شود. این نکته مهم است و رابطه‌ی مستقیمی با پیشنهاد «حریم پویا»ی دریای خزر دارد که نویسندگان بر آن تاکید نموده و معتقدند که مجریان قانون به عمد یا به سهو (که در عمل چیزی را تغییر نمی‌دهد) آن را نادیده گرفته‌اند. متأسفانه امروزه تمام مسئولین به دلیل عدم توجه دقیق به نص صریح قانون و روح آن با وجود عقب‌نشینی مستمر دریا در سال‌های اخیر و پیدا شدن اراضی جدید مستحدث، بازهم از عرض ۶۰ متری حریم دریای خزر سخن می‌گویند.

برخورد با حریم دریای خزر پس از انقلاب

برای نخستین بار پس از ۲۲ سال بعد از انقلاب اسلامی بود که در فصل دوازدهم قانون برنامه پنجساله‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی که در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ به تصویب رسید، در بخش «سیاست‌های زیست محیطی» به حریم دریای خزر نیز اشاره‌ای شد. می‌گوییم اشاره، زیرا تنها در یک سطر از قانون برنامه، بر طبق بند «ه» ماده‌ی - ۱۰۴ این قانون، آمده بود که: «به منظور جلوگیری از آلودگی و ساماندهی ساحل دریای خزر، دولت موظف است نسبت به آزادسازی حریم دریا اقدام نماید». این قانون زمانی به تصویب رسید که تقریباً چهار سالی بود که پیشروی دریای خزر متوقف شده و این دریا به آرامی در حال عقب‌نشینی بود. در این قانون اشاره‌ای به حریم ۶۰ متر نشده و تنها گفته شده است که دولت موظف است که نسبت به آزادسازی حریم دریای خزر اقدام کند. به نظر می‌رسد که پیش فرض این قانون این بود که در قوانین سال ۱۳۴۶ و ۱۳۵۴ عرض حریم به لحاظ قانونی تعیین شده و امر مکلف در قانون

مشخص است. با این حال به اتکای این بند از قانون برنامه‌ی سوم، اقدام مهمی در ارتباط با حریم دریای خزر و به ویژه آزادسازی آن انجام نشد و گزارشی نیز از طرف دولت ارائه نگردید. قانون برنامه‌ی چهارم اهمیت بیشتری به سواحل داد. در همین قانون بود که برای نخستین بار بر تهیه و اجرای «مدیریت یکپارچه‌ی سواحل»، سازمان بنادر و کشتیرانی وقت (سازمان بنادر و دریانوردی کنونی)، موظف شد تا طرح «مدیریت یکپارچه‌ی مناطق ساحلی» موسوم به ICZM⁵ را برای تمام سواحل ایران در دستور کار قرار دهد.

چنان که می‌دانیم عقب‌نشینی دریای خزر از اوایل دهه‌ی ۱۳۸۰ روند سریع‌تری به خود گرفت و به نظر می‌رسد به همین دلیل بود که در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه (مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱) که باید از آغاز سال ۱۳۸۴ و در پنج‌ساله‌ی ۱۳۸۴-۱۳۸۸ به اجرا در می‌آمد، با تاکید بیشتری در ماده‌ی ۶۳ آن قانون به این موضوع پرداخته شد. در ماده‌ی ۶۳ قانون برنامه‌ی چهارم آمده بود: «دولت موظف است حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم [پایان سال ۱۳۸۴]، به منظور ساماندهی و جلوگیری از آلودگی و تخریب سواحل، با اولویت دریای خزر، طرح جامع ساماندهی سواحل که متضمن اقدام‌های ضروری همچون **تعیین و آزادسازی حریم**، استقرار مدیریت یکپارچه سواحل، ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی و دریانوردی، صیادی و آبرزی پروری، بازیابی و اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات را همراه با تعیین مسئولیت دستگاه‌های ذی‌ربط در زمینه سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت، تدوین نماید.

تبصره- دولت موظف است کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را به شکلی ساماندهی نماید که تا پایان برنامه چهارم [سال ۱۳۸۸]، **عقب‌نشینی شصت (۶۰) متر حریم دریا صددرصد (۱۰۰٪) انجام پذیرد**. آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، کشور، جهاد کشاورزی، راه و ترابری، نیرو و عندالزوم سایر دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید» (قانون برنامه‌ی چهارم، تاکید از ماست).

آزاد سازی حریم دریای خزر در عمل

نخست باید یادآوری کرد که هیچکدام از دو قانون ۱۳۴۶ و ۱۳۵۴ لغو نشده‌اند و بنابراین هنوز از اعتبار لازم اجرایی برخوردار و در واقع قوانین موجود و اجرایی کشور به حساب می‌آیند.

^۵. Integrated coastal zone management (ICZM).

چنان که پیش‌تر نیز گفته شد، مهم‌ترین قانونی که در ارتباط با حریم دریای خزر در بعد از انقلاب تدوین شده، همان ماده‌ی - ۶۳ قانون برنامه‌ی چهارم بود که در آن تاکید شده بود که «آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، کشور، جهاد کشاورزی، راه و ترابری، نیرو و در صورت نیاز سایر دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید».

آیین‌نامه‌ی این ماده از قانون برنامه‌ی چهارم در ۱۳۸۶/۲/۲۳ به تصویب دولت رسید و دولت را مکلف به تهیه‌ی سند ساماندهی سواحل کشور کرد. در ماده‌ی - ۲ این آیین‌نامه آمده بود: «طرح جامع ساماندهی سواحل کشور سندی است فرابخشی، که با هدف جلوگیری از تخریب و آلودگی سواحل، توسعه پایدار در مناطق ساحلی، **تضمین حق بهره‌برداری عمومی از سواحل** و ساماندهی استفاده از سواحل کشور با اولویت سواحل دریای خزر، متضمن **تعیین و آزادسازی حریم**، تعیین ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی، دریانوردی، صیادی و آبرزی‌پروری و فراهم‌سازی توسعه صنعت گردشگری، بازمینی، اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات واستقرار مدیریت یکپارچه براساس اقدامات مشروح در این آیین‌نامه که توسط وزارت مسکن و شهرسازی ظرف یکسال تهیه و به تأیید کارگروه موضوع ماده (۳) این آیین‌نامه می‌رسد».

این آیین‌نامه سپس برای سازمان حفاظت محیط زیست، جهاد کشاورزی، وزارت نیرو، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت راه، و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تکالیفی تعیین کرد تا برنامه‌های خود را در ارتباط با سواحل دریای خزر تهیه و تدوین کرده و به کارگروه موضوع ماده‌ی - ۳ همین آیین‌نامه ارایه نمایند. ماده‌ی - ۳ این آیین‌نامه وظیفه داشت پس از دریافت برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی، این برنامه‌ها را تلفیق و به دولت ارایه نماید: «ماده ۳- تأیید طرح جامع ساماندهی سواحل کشور (بعد از تلفیق طرح‌ها و برنامه‌های ارسالی دستگاه‌ها توسط وزارت مسکن و شهرسازی) بر عهده کارگروهی مرکب از اعضای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و استانداران استان‌های ساحلی است و اصلاح قوانین و مقررات در موارد لازم جهت طی مراحل قانونی به مراجع ذی‌ربط ارایه می‌گردد. مسئولیت کارگروه یاد شده بر عهده وزیر مسکن و شهرسازی است».

تا جایی که نویسندگان اطلاع دارند، برنامه‌های بخشی اعلام شده در آیین‌نامه‌ی فوق، هیچ‌گاه به صورت کامل تهیه نشد و در نتیجه تلفیقی نیز تحت عنوان ساماندهی سواحل به سرانجام نرسید و بنابراین هیچ سند تلفیقی نیز تحت عنوان سند ساماندهی سواحل تهیه نشد.

در تبصره‌ی ۱ - ماده‌ی ۴ همین آیین‌نامه همچنین تاکید شده بود: « وزارت نیرو مکلف است ظرف یک ماه آخرین نقطه پیشروی آب دریا [خزر] را براساس داده‌های ثبت شده پنجاه سال اخیر، تعیین و به طور رسمی به استانداری‌ها اعلام نماید». و در تبصره‌ی ۲ - همین ماده از آیین‌نامه نیز تاکید شده بود که: « کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات وابسته به دولت موظفند تا پایان برنامه چهارم توسعه کشور، فاصله ۶۰ متر از محل تراز تعیین شده و ماقبل آن تا دریا را آزاد نمایند. تأسیساتی که الزاماً برای انجام وظایف قانونی باید در محدوده یاد شده باقی بمانند، از شمول این تبصره مستثنی می‌باشند». و در تبصره‌ی ۳ - نیز گفته شده بود: «هرگونه ساخت و ساز و مستحذات و تغییر کاربری در محدوده یاد شده [۶۰ متر] (به استثنای مواردی که قانوناً مجاز شناخته شده است) ممنوع است».

هر چند در تبصره‌ی ۲ - محدوده‌ی «فاصله ۶۰ متر از محل تراز تعیین شده» به طور روشن بیان نشده و مشخص نیست که تراز تعیین شده ارجاع به کدام رقوم است، اما این نکته روشن است که طبق قانون برنامه‌ی چهارم مصوب ۱۳۸۳ و آیین‌نامه‌ی مصوب مربوطه در ۱۳۸۶، دست کم حریم ۶۰ متری دریای خزر در این زمان می باید توسط مسئولان کشور بر مبنای خط ساحل موجود آزاد می‌شد. پیداست در این محدوده‌ی ۶۰ متری اگر کسی ادعایی برای مالکیت داشت می‌باید ادعای خود را بر اساس قانون اراضی مستحذت و ساحلی و ثبت آن که قبلاً در قانون ۱۳۴۶ آمده و در مراجع ثبتی تا مهر سال ۱۳۴۲ تعیین شده بود، اعلام می‌کرد. در غیر این صورت از سال ۱۳۷۹ و یا دست کم از ۱۳۸۴ یعنی سال اجرای برنامه‌ی چهارم، خط تراز ساحلی (خط برخورد آب دریای خزر با خشکی) مبنای تعیین عرض ۶۰ متر برای حریم دریا طبق قانون تعیین شده است. این نکته در بررسی ما بسیار مهم است. از این رو مستلزم توضیح بیشتری است.

ما امروز می‌دانیم که بعد از میانه‌ی دهه‌ی ۱۳۷۰ که اوج پیشروی آب دریای خزر متوقف شد، عقب‌نشینی آب این دریا سال‌هاست که ادامه یافته و به جز در اواخر سال ۱۳۹۵ و اوایل سال ۱۳۹۶ با اندکی پیشروی، دوباره به عقب‌نشینی خود ادامه داده است. در همین رابطه مدیر مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر در آذر سال ۱۳۹۲ هشدار داده بود که: «احتمال ادامه روند کاهش تراز آب دریای خزر وجود دارد و کاهش ۸۰ سانتیمتری تراز آب دریای خزر طی ۱۷ سال اخیر [یعنی از سال ۱۳۷۵] را نمی‌توان به عنوان افت و خیزهای معمولی دریا دانست و احتمال ادامه کاهش تراز آب به عنوان دور جدیدی از ویژگی‌های نوسانی دریای خزر را نباید از نظر دور داشت». او در همین رابطه تأکید کرده بود که: « با توجه به اعلام حد بستر دریای خزر (تراز ۲۴.۷-

متر) از سوی وزارت نیرو و لزوم حفظ و حراست آن از سوی شرکت‌های آب منطقه‌ای شمال کشور، لازم است طرح تهیه نقشه حد بستر و حریم دریای خزر و علامت‌گذاری سواحل با جدیت اجرا شود، زیرا به دلیل کاهش تراز آب دریا، تجاوز به حریم دریا افزایش خواهد یافت». وی تصریح می‌کند: «ضروری است تمام طرح‌ها و برنامه‌های راهبردی دولت در سواحل جنوبی دریای خزر با رویکرد به ویژگی‌های نوسانی دریای خزر و روند کاهش تراز آب در سال‌های اخیر مهندسی و عملیاتی شود. مدیر مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر ادامه داد: در این پروژه با انجام عملیات نقشه‌برداری زمینی در نوار ساحلی، نقشه‌های حد بستر و حریم و کاربری اراضی ساحلی با مقیاس ۱:۲۰۰۰ تهیه و پس از آن، این حدود بر روی زمین علامت‌گذاری می‌شوند». اکنون می‌دانیم که هیچ کدام از این اقدامات انجام نشده است.

بدین ترتیب ما اکنون طبق داده‌های ثبت شده توسط وزارت نیرو و به ویژه مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر می‌دانیم که از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۳۷۵ تا نیمه‌ی دهه ۱۳۹۰ در حالیکه مسئولان کشور با وضع قوانین و دستورالعمل‌ها به طور مستمر از علامت‌گذاری حریم ۶۰ متر دریای خزر سخن گفته‌اند، پسروی آب این دریا نیز بی‌وقفه ادامه یافته و پهنه‌های جدید از اراضی مستحدثت برجای گذاشته است که «داغ آب» های آن در سواحل دریا به خوبی آشکار است. برای نمونه در تصویر (۱) بخشی از این اراضی مستحدثت که با داغ آب‌های آشکار در ساحل شمال شهر گیاشهر در گیلان در دولایه‌ی قدیم و جدید باقی مانده، نشان داده شده است. در اینجا اکنون عرض این داغ آب‌ها نه به ۶۰ متری یعنی پهنای حریمی که مجریان در صدد آزادسازی آن هستند بلکه به چند برابر آن یعنی بیش از ۹۰۰ متر رسیده است.



تصویر ۱. وسعت پهنای اراضی مستحدثت ساحلی در شمال شرقی گیاشهر در گیلان که بر اثر عقب نشینی دریا در دولایه‌ی جدید و قدیم به خوبی آشکار است و برای اساس داغ آب‌های برجای مانده، پهنای لایه‌ی جدیدتر

اراضی مستحدث که به طور کامل با داغ آب ماسه ای روشن پوشیده شده بیش از ۴۰۰ متر و لایه‌ی قدیمی‌تر که یک تالاب کوچک محلی نیز در آن هنوز پا برجاست، بیش از ۹۰۰ متر است (تصویر Google 2021).

چنان که در همین تصویر پیداست، متاسفانه ساخت و ساز در محدوده‌ای که داغ آب‌های پوشیده از ماسه به طور روشن اراضی ساحلی و مستحدث دریا را نمایانده، در حال تاسیس است. در مجموع در سرتاسر سواحل دریای خزر، پهنای این سواحل شنی و ماسه ای که داغ آب‌های امواج دریا به وضوح پهنای آن را نشانه‌گذاری کرده و تقریباً در همه جا، عرض آن بیش از ۶۰ متر حریم ثابت دریاست، دیده می‌شود که با عقب نشینی مستمر دریا بر عرض آن‌ها افزوده شده و می‌شود و طنز قضیه در این است که مسئولان به طور مرتب حریم دریا را عقب‌تر می‌برند! پیداست که در طول این پهنه‌های ساحلی که بی‌هیچ تردید متعلق به دریا بوده و در واقع متعلق به دولت و مردم و عرصه‌ی عمومی است، در شرایط مناسب یعنی زمانی که دریا در حال عقب‌نشینی است، می‌تواند مورد دست‌اندازی سودجویان حقیقی و حقوقی قرار گیرد و یا حتی با توجیهاتی به ظاهر قانونی و رسمی به شهرک‌سازی و شهرک‌سازان فروخته شود. نمونه‌ی مورد اخیر را می‌توان در ساحل «چپکروود» در شرق بابلسرِ مازندران مشاهده کرد. در تصویر ۲ و ۳ بخشی از ساحل چپکروود در دو مقطع ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲ از نظر ساخت و ساز بر روی اراضی مستحدث باهم مقایسه شده‌اند.



تصویر ۲. اراضی مستحدث ساحلی چپکروود در شهریور سال ۱۳۸۵ که پهنای آن به وسیله‌ی داغ آب‌های دریا بیش از ۴۰۰ متر نشانه‌گذاری شده و چنان که پیداست، هنوز هیچ ساخت و سازی روی آن صورت نگرفته است (تصویر گوگل ارت شهریور ۱۳۸۵).



تصویر ۳. همان اراضی مستحدث ساحلی چیکرود در اردیبهشت سال ۱۳۹۲ یعنی هفت سال بعد که بخش عمده ی آن به وسیله ی ساخت شهرک مسکونی از عرصه ی عمومی خارج شده و استفاده های خصوصی پیدا کرده است (تصویر گوگل ارت اردیبهشت ۱۳۹۲).

چنان که از روی تصاویر ماهواره ای پیداست این ساخت و سازها از نیمه ی دوم دهه ی ۱۳۸۰ انجام شده است. بررسی عکس های تاریخی نشان می دهد که در عکس سال ۱۳۸۵ در این ساحل هیچ سازی مهمی وجود نداشته است. اما در حالیکه در قانون برنامه ی چهارم به تاکید گفته شده بود که دولت می باید تا پایان سال اول برنامه یعنی تا پایان سال ۱۳۸۴ «به منظور ساماندهی و جلوگیری از آلودگی و تخریب سواحل، با اولویت دریای خزر، طرح جامع ساماندهی سواحل که متضمن اقدام های ضروری همچون: تعیین و آزادسازی حریم، استقرار مدیریت یکپارچه سواحل، ضوابط و استانداردهای زیست محیطی و دریانوردی، صیادی و آبی پروری، بازیابی و اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات را همراه با تعیین مسئولیت دستگاه های ذی ربط در زمینه سیاست گذاری، اجرا و نظارت، تدوین نماید»، این ساخت و سازها بر خلاف قانون روی اراضی مستحدث ساحلی ظاهر می شوند.

نمونه ی دیگر در همین سواحل به دهه ی ۱۳۹۰ بر می گردد. مقایسه ی دو عکس در دو تاریخ مختلف از سواحل شنی داغ آب های دریا در شرق بابل سر به روشنی نشان می دهد که در اثر پسروری دریای خزر، پهنای اراضی مستحدث پیداشده به بیش از ۸۰۰ متر می رسد و طبق قانون به جای استفاده از آن برای استفاده های عمومی مثل ایجاد پارک عمومی و جنگلی به ساخت شهرک مسکونی اختصاص یافته است (تصویر ۴).



تصویر ۴. مقایسه ی کاربری اراضی مستحدث ساحلی در ساحل شرقی بابلسر در دو مقطع ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷ و ساخت وسازهایی که بر روی این اراضی در طول پنج سال صورت گرفته است.

تصرف ساحل و نقش سازمان های دولتی

شاید حیرت انگیز باشد که گفته شود تصرف و تصاحب غیر قانونی سواحل دریای خزر که به مردم تعلق داشته و باید استفاده ی عمومی از آن به عمل آید، توسط نهادهای دولتی و عمومی وابسته به حاکمیت بیش از افراد حقیقی مورد تعرض قرار گرفته و از آن برای استفاده ی دستگاه های خاص دولتی، عمومی و یا شهرک های خصوصی و سازمانی استفاده می شود. این در حالی است که در آئین نامه ی قانون برنامه ی چهارم مصوب ۱۳۸۶/۲/۲۳ به صراحت آمده است که طرح ساماندهی سواحل باید با هدف: «تضمین حق بهره برداری عمومی از سواحل» انجام شود.

به هر حال گزارش های رسمی نشان می دهد که بیشتر تصاحب های غیرقانونی سواحل دریای خزر از طرف نهادهای دولتی، عمومی و حاکمیتی بوده است. به عنوان مثال دادستان عمومی و انقلاب استان مازندران در شهریور سال ۱۳۹۴ اعلام کرده است که: «بخشی از زمین های دریایی [سواحل دریای خزر] در اختیار دستگاه های اجرایی است، از این رو میزان تصرف دستگاه های دولتی ۵۴ درصد و اشخاص ۴۶ درصد است^۶» (روزنامه ی شهروند ۲۱ دی ۱۳۹۴). در همین رابطه نماینده ی نور و محمود آباد (عبدالوحید فیاضی) نیز با تاکید بر ساخت مجتمع های تفریحی -

^۶. همچنین نگاه شود به مطلبی تحت عنوان «خداحافظی ساحل نشینان از دریا» در سایت تابناک به تاریخ ۴ بهمن ۱۳۹۴. که در فضای مجازی قابل دسترس است.

مسکونی دستگاه های بخشی دولتی و نهادهای وابسته به دولت معتقد است که: «در حال حاضر وجود این مجتمع ها در اراضی ساحلی مشکلات بسیاری را برای مردم به وجود آورده و در این راستا جاذبه های گردشگری دریا از سواحل سلب شده است». او سپس اضافه کرده است: هیچ ضعف قانونی در خصوص جلوگیری از تصرفات ساحلی وجود نداشته و تنها مشکل موجود ضعف در اجرای قوانین است». و سپس ادامه داده است که «البته باید به این نکته تاکید کرد که هیچ اراده جدی از سوی مسئولان برای جلوگیری از تصرفات ساحلی وجود ندارد!» (سایت خانه ملت ۱۳۹۴/۱۱/۷ www.icana.ir). این گفته که هیچ ضعف قانونی وجود ندارد و تنها مشکل موجود ضعف اجرای قوانین است، در کلیت خود صحیح است و می توان آن را چنین تعبیر داد که «مشکل اصلی نقص قانون نیست بلکه نقص قانون» است.

روح قوانین موجود چه می گوید؟

چنان که گفته شد حریم ۶۰ متری دریای خزر برای نخستین بار در قانون اراضی ساحلی در سال ۱۳۴۶ به تصویب رسید و سپس در سال ۱۳۵۴ در قانون اراضی مستحدث و ساحلی نیز تایید و تاکید شد. اما در همان قانون که هنوز لغو نشده و معتبر است، قانون گذار تاکید کرده است که پس از تصویب قانون، هر مقدار اراضی مستحدثی که پس از عقب نشینی دریای خزر به وجود آید، باید به این حریم ۶۰ متری اضافه شده و جزو حریم به حساب آید. به عبارتی عرض حریم در جریان پسروی دریا، انباشتی و تراکمی خواهد بود. برای تایید این نظر، لازم است بخشی از قانون مصوب ۱۳۵۴ دوباره یادآوری شود که قانونگذار در ماده ی- ۱ تاکید کرده است که: «... اراضی مستحدثی که بعد از تصویب این قانون ایجاد می شود به عرض حریم مذکور اضافه خواهد شد» (قانون اراضی مستحدث و ساحلی، مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ - سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی). بنابراین چنان که پیش تر نیز یادآوری شد در قانون به تصریح گفته شده است که پهنای حریم دریای خزر ثابت نیست و به تناسب عقب نشینی دریا و ایجاد زمین های مستحدث در اثر عقب نشینی دریای خزر به عرض حریم نیز افزوده می شود. در تدوین آیین نامه ی اجرایی قانون اراضی مستحدث در سال ۱۳۸۷ نیز به صراحت گفته شده است که حریم دریا در زمان تصویب این آیین نامه ۶۰ متر است که باید ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این آیین نامه شناسایی و علامت گذاری شود. چنان که گفته شد، از دهه ی ۱۳۷۰ نیز این تاکید صورت گرفته بود که باید عرض حریم ۶۰ متر علامت گذاری شود. می دانیم که علامت گذاری حریم به عمد یا به سهو توسط مسئولان محلی

انجام نشده است لیکن بخش‌هایی از ساحل حریم دریا بر اساس همین آیین‌نامه در همان سال ۱۳۸۷ آزادسازی و علامت‌گذاری شد. به عبارت دیگر مبنای ۶۰ متر برای حریم تمام سواحل دریا دست کم باید همان منحنی تراز سطح آب زمان تصویب آیین‌نامه یعنی ۱۹ / ۱ / ۱۳۸۷ باشد که برای بخشی از اراضی ساحلی انجام شده است و حریم در این اراضی آزاد گردیده است. وقتی برای بخشی از سواحل دریا این اراضی آزاد و قانون اجرا شده، به طور منطقی می‌توان فرض کرد که این حریم برای دیگر بخش‌ها نیز می‌توانست اگر کوتاهی مجریان نبود، در همان زمان آزاد می‌شد. اگر این کار صورت می‌گرفت، در این صورت دست کم از سال ۱۳۸۷ تاکنون اراضی عقب‌نشینی شده در ساحل دریای خزر طبق قانون به عرض حریم ۶۰ متر افزوده می‌شد. پیداست که اگر احکام مکرری که طی دهه‌ی ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ از طرف مراجع رسمی در مورد تعیین و ثبت و علامت‌گذاری حریم ۶۰ متر در زمان مقرر انجام می‌گرفت و حریم دریای خزر در یکی از تاریخ‌های تعیین شده در قانون آزاد می‌شد، امروزه اراضی مستحدث ایجاد شده بعد از عقب‌نشینی دریا جزو حریم دریای خزر به حساب می‌آمد و پیداست که دیگر این حریم همان ۶۰ متر نبود. به عبارت دیگر امروز دیگر حریم دریای خزر همان ۶۰ متری نیست که به کرات در تدوین قانون مرتبط با آن در سال‌های مختلف اشاره شده و می‌شود اما اراده‌ای برای اجرای آن وجود نداشته است. چنان که عکس‌های ماهواره‌ای نیز به خوبی روی زمین نشان می‌دهد که اراضی مستحدث و حریم دریا که از طریق داغ آب‌ها علامت‌گذاری شده، حریم واقعی دریا را تثبیت کرده است. به نظر می‌رسد که ارزش بالای این زمین‌ها در ساحل سبب شده تا همان ۶۰ متر مبنا قرار گیرد و علامت‌گذاری نیز انجام نشود تا اراضی جدید ایجاد شده طی فرایند غیر قانونی به افراد حقیقی و حقوقی به صورت رانتی واگذار شود و عرض ۶۰ متر مرتب با عقب‌نشینی دریا به عقب کشیده شود. شاید یکی از دلایل اصلی عدم علامت‌گذاری حریم دریا که قانون‌گذار از دهه‌ی ۱۳۴۰ به طور مرتب بر آن تاکید کرده همین امر باشد.

نظارت بر نظارت (نظارت سمن‌ها)

نهادهای حاکمیتی یعنی قوای مقننه، قضائیه و مجریه هر کدام دارای نهادهای نظارتی برای اجرای قانون هستند. اما چنان که در بالا دیدیم و در قانون نیز تصریح شده که حریم و اراضی مستحدث باید هم نقشه‌برداری و هم علامت‌گذاری شده و از تعرض و تصرف افراد حقیقی و حقوقی دور بماند به دلایل ناگفته انجام نشده است. تجربه در گذشته نشان داده است که در حفظ این اراضی که تعلق به دولت یا به واقع به تمام مردم ایران و در درجه‌ی نخست به استفاده‌ی عمومی ساکنان

محلی و مسافران دریا دارد، به دلایل نامعلومی مسامحه صورت گرفته است و با وجود آن که قانون به کرات تصریح کرده است که باید این زمین‌ها از مدت‌ها قبل علامت‌گذاری شوند، سال‌هاست که نه فقط هیچ کاری در زمینه‌ی علامت‌گذاری صورت نگرفته بلکه در همین محدوده بدون عکس‌العملی در خور، این اراضی توسط نهادهای دولتی و نهادهای عمومی حاکمیتی مورد تعرض قرار گرفته است. **بنابراین ناکارایی نهادهای نظارتی رسمی، در عمل نمایان شده است.** چنان که گفته شد اکنون شرایطی پیش آمده که پهنای حریم ساحل یعنی اراضی مستحدث با عقب نشینی مستمر دریا، دوباره در حال افزایش است و چنان که در قانون تاکید شده با افزایش اراضی مستحدث جدید، این زمین‌ها باید به عرض حریم قبلی افزوده شده و طبق پیشنهاد حریم پویا در این مقاله، عرض حریم باید در سال‌های عقب‌نشینی دریا «انباشتی» و «تراکمی» باشد و به طور مرتب بر عرض آن افزوده شود. اما تجربه نشان می‌دهد که نباید تنها به نظارت سازمان‌های رسمی مسئول حاکمیتی بسنده کرد بلکه سازمان‌های مردم‌نهاد یعنی (سمن)‌ها به ویژه سمن‌های مرتبط با امر دریا و محیط زیست که در این زمینه فعالیت می‌کنند از جمله سمن‌های محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و اکولوژیکی می‌باید بیش از پیش نظارت خود را بر ساحل دریا داشته باشند. قانون در این زمینه کاملاً روشن و مدافع حافظان سواحل یعنی مدافعان «حق بر ساحل دریا» است. چنان که پیش‌تر نیز تاکید شد آئین‌نامه قانون برنامه‌ی چهارم نیز تاکید کرده است که دولت باید سواحل دریای خزر را با «تضمین حق بهره‌برداری عمومی از سواحل» ساماندهی کند و نه حق بهره‌برداری برای نهادها و افرادی حقیقی و یا حقوقی خاص. بنابراین نظارت سازمان‌های مردم‌نهاد در چارچوب قانون می‌تواند بر همه‌ی اقدامات عمرانی و اجرایی توسط افراد حقیقی و حقوقی که در این پهنه به عمل می‌آید، نظارت خود را اعمال کرده و نهادهای مسئول را در این زمینه بر طبق قانون پاسخگو کنند. حتی شاید لازم باشد که سمن‌های ویژه و تخصصی حافظ حریم دریا و اراضی مستحدث و «حق بر ساحل دریا» در سواحل دریای خزر بوجود آید و با کمک تصاویر ماهواره‌ای گوگل که در اختیار همه است، حریم آزاد سواحل امروزی را در هر شهرستان با تهیه‌ی یک «عکس نقشه» (photo map) به دقت روی این تصاویر علامت‌گذاری و نظارت خود را طبق قانون مستند و به عرصه‌ی عمومی ارائه نمایند نظارت عمومی گردد. بنابراین مسلم است که امروزه دیگر لزوم عرض حریم همان ۶۰ متر نیست. چنان که به عنوان نمونه تصاویری که نشان داده شد، عرض اراضی مستحدث که می‌باید به عرض حریم در سال‌های پیش اضافه می‌شد، اکنون به صدها متر می‌رسد و خوشبختانه در بخشی از سواحل و به ویژه در ساحل گیلان تا حدودی از آن حفاظت

شده است. تاکید کنیم که این اراضی به تمام شهروندان تعلق دارد و به عنوان عرصه ی عمومی جزو «حق بر ساحل دریا» ی شهروندان محسوب می شود.

• منابع :

- آیین نامه اجرایی آزادسازی حریم ساحلی دریای خزر، مصوب ۱۳۸۸.۶.۴، سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir
- آیین نامه اجرایی ماده (۶۳) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، مصوب 6/4/1386، سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir
- آیین نامه اجرایی تبصره (۲) ماده (۲) قانون اراضی مستحدث و ساحلی - مصوب ۱۳۸۷، وبسایت رسمی دفتر هیئت دولت ریاست جمهوری، cabinetoffice.ir
- آیین نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل ها، مصوب ۱۳۴۲.۶.۶، سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir
- آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه ها، انهار، مسیل ها، مرداب ها، برکه های طبیعی و شبکه های آبرسانی، آبیاری و زهکشی، مصوب: ۱۳۷۹/۸/۱۱، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir
- روزنامه تابناک، مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۵، <http://www.tabnak.ir/fa>
- خداحافظی ساحل نشینان از دریا» در سایت تابناک به تاریخ ۴ بهمن ۱۳۹۴. <http://www.tabnak.ir>
- عظیمی، ناصر(۱۳۹۴)، طرح ساماندهی و پایش فعالیت های موجود در اراضی واقع در حریم شهرهای غرب استان مازندران با تأکید بر حفظ منابع طبیعی جلد های ۱ و ۲ و ۳، ناصر عظیمی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران ، کارفرما معاونت شهرسازی وزارت راه و شهرسازی
- ضوابط نحوه استفاده از زمینهای واقع در معرض خطر بالا آمدن آب دریای خزر، مصوب شورایعالی شهرسازی مورخ ۱۳۷۰/۵/۷، اداره کل راه و شهرسازی مازندران <http://www.mazrud.ir>
- قانون اراضی مستحدث و ساحلی، مصوب ۱۳۵۴.۴.۲۹، سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir

- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸) -
 ۱۳۸۴)، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۴)،
 مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir
- قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، مصوب ۱۳۴۶.۵.۲۵، سایت مرکز پژوهش‌های
 مجلس شورای اسلامی، rc.majlis.ir
- قانون مربوط به اراضی ساحلی، مصوب ۱۳۴۶.۵.۲۵، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای
 اسلامی، rc.majlis.ir
- قانون ملی شدن جنگل‌های کشور، مصوب ۱۳۴۱/۱۰/۲۷، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس
 شورای اسلامی، rc.majlis.ir
- قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۲۳، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،
rc.majlis.ir
- مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر (<http://www.irna.ir/fa>)
- "اراضی اشغالی شمال کشور را پس نمی‌دهند" (۱۳۹۴، ۲۱ دی)، روزنامه‌ی شهروند، شماره